

آثار یاد مرگ از دیدگاه نهج البلاغه

نسترن جانسکر^۱

چکیده

یاد مرگ همواره مورد توجه علمای علم اخلاق بوده است؛ چرا که از میان عقاید دینی اعتقاد به رستاخیز و یاد مرگ یکی از نافذترین باورها در جهت دادن به رفتار آدمی است که اندیشیدن به آن تأثیر عمیقی بر حیات و نحوه زندگی انسان دارد؛ زیرا حیات شناسی در مرگ شناسی و یاد مرگ بودن در حیات آگاهی تأثیر متقابل دارد. با درک این موضوع که امام علی(ع) صاحب رفیعترین درجه مرگ آگاهی حضوری و مرگ باوری شهودی است؛ هدف این نوشتار، این است که با اتخاذ رویکردی توصیفی-تحلیلی، خطبه ها، نامه ها و حکمت های نهج البلاغه را مورد مذاقه قرار داده تا ضمن بررسی مفهوم مرگ، آثار یاد مرگ را در نهج البلاغه و از منظر امام علی(ع) مورد واکاوی قرار دهد. ازاینرو آنچه از سخنان ایشان در باب این موضوع از نهج البلاغه قابل استنتاج است این است که یاد مرگ و توجه به قطعیت مرگ عاملی برای رها شدن انسان از تعلقات دنیوی و به نوعی آماده شدن برای ورود به عالم حساب است. چنین اندیشه ای می تواند عامل معنابخش به حیات و زندگی دنیوی باشد تا با تغییر نگرش انسان ها و سوق دادن آن ها به سوی واقع نگری، جامعه ای عدالت طلب و اخلاق گرا را ایجاد کند.

کلمات کلیدی: آثار، یاد مرگ، نهج البلاغه.

^۱ سطح دو، حوزه علمیه بنت الرسول سلسله

مقدمه

خداوند روح انسان را جاودانه قرار داده و انسان به واسطه مرگ با سیر تکاملی به سوی جهان آخرت انتقال می یابد. به همین خاطر انسان نباید این تکامل را نادیده بگیرد و لازم است در این دنیا خود را برای سرای جاودانه آماده کند. مرگ یکی از دغدغه های تأمل برانگیز و اسرارآمیز حیات بشری است. مسئله مرگ واقعیتهای انکارناپذیر است که هر روز گروهی از انسانها را به کام خود فرو میبرد. پس این رخداد حتمی حامل این پیام است که هر انسانی طعم مرگ را خواهد چشید. امام علی(ع) می فرماید: «آنکس که از مرگ بترسد، نجات نمی یابد و آنکس که زنده ماندن را دوست بدارد، برای همیشه در دنیا نخواهد ماند»^۱ بنابراین در اندیشه اسلامی، مرگ سرنوشت اصلی انسانهاست و البته این به معنای نابودی انسان نیست تا روح تلاش و امیدواری را در او بمیراند، بلکه یاد مرگ از منظر اسلام به معنای سازندگی و حرکت به سوی مسیر تکامل حیات است. ازاینرو یاد مرگ، نگرش و رفتار انسان را تغییر میدهد و خودکنترلی و مراقبت پیوسته از اعمال و نیات را در وی ایجاد می نماید .

بدین ترتیب یاد مرگ نقطه محوری در اندیشه های امام علی(ع) است و به نوعی یاد مرگ دریچه ای به جهان نگری امام علی(ع) است. وی دنیاآگاهی را مبنای مرگ آگاهی دانسته است؛ به این معنا که اگر شخصی به لحاظ شناختی به این باور برسد که دنیا گذرگاه است نه قرارگاه، آنگاه مرگ آگاه خواهد بود و برای روز قرارگاهش توشه ای مهیا خواهد ساخت^۲؛ بنابراین مرگ قطعاً اتفاق خواهد افتاد و اندیشه کردن در آن، آثار زیادی برای افراد در پی خواهد داشت. به عبارتی تفکر در باب حقیقت و ماهیت مرگ زمینه ساز معنابخشی به زندگی و حیات اخروی خوشایندی خواهد بود.

با بررسی انجام شده تحقیقات زیادی در خصوص مرگ و موضوعات مرتبط با آن انجام شده است که این فراوانی تحقیقات نمایانگر توجه و اهمیت پژوهشگران به این حقیقت حتمی و انکارناپذیر است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می گردد.

^۱ نهج البلاغه، خطبه ۳۸

^۲ نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳

قنبری و مشایخی پور (۱۳۹۱) در مطالعه ای با عنوان « معنا و مفهوم مرگ آگاهی و آثار آن از دیدگاه امام علی (ع) » بیان میدارند که مرگ آگاهی که از آن به عنوان صفت ممتاز انسانی یاد می شود، با عواملی نظیر تعقل، خودشناسی، یاد خدا، تذکار منادیان وحی، فضای محیطی مناسب و ... ظهور و بروز بیشتری پیدا خواهد کرد.

قائمی و واعظی (۱۳۹۳) در مطالعه ای با عنوان «حقیقت مرگ، مرگ اندیشی و معنای زندگی» دیدگاه ها و تحلیل های متفاوت درباره حقیقت و ماهیت مرگ و نیز هراس از مرگ و عوامل تقلیل وحشت از مرگ را مورد بررسی قرار داده و تأکید داشته اند که همه این موارد، بر معناداری زندگی تأثیری مستقیم دارند.

همامی و فرضی (۱۳۹۴) در مطالعه ای با عنوان «مرگ، توفی و عالم پس از مرگ در مقارنه قرآن و عهدین» بیان میدارند که دیدگاههای مشترک فراوانی بین قرآن و عهدین در خصوص مرگ و مفاهیم مرتبط وجود دارد که در بسیاری از مؤلفه ها، قابل انطباق و مشترک با یکدیگرند. البته در قرآن مفاهیمی چون توفی، موت، مرگ و حیات طیبه به طور گسترده تر دقیق تر و متعالی تر مورد کنکاش و بحث قرار دارد.

بدین ترتیب، بررسی های انجام شده پیرامون موضوع مورد مطالعه بیانگر این است که بحث مرگ از دیدگاه امام علی (ع) مورد توجه محققان گذشته بوده است؛ اما آنچه کمتر به آن پرداخته شده، آثار ناشی از اندیشیدن به مرگ است.

از این رو این پژوهش با هدف پاسخگویی به این سوال که آثار یاد مرگ از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه چیست، ضمن تحلیل مفهوم مرگ، آثار یاد مرگ را به صورت تخصصی تحلیل می کند. بدین منظور که از این اندیشیدن فرصتی برای اقدامات عملی و معنابخشی به زندگی این جهانی و آن جهانی فراهم آید.

تعریف مفاهیم و اصطلاحات

تعریف مرگ در نهج البلاغه

مرگ در لغت به معنای، بیجان شدن، از دست دادن نیروی حیوانی و حرارت غریزی است.^۱ لسان العرب مرگ را به ضد حیات معنا کرده است.^۲ برخی مرگ را به معنای سکون گرفته اند.^۳ التحقیق دراین باره می گوید: مرگ، نفی حیات است و حیات در هر چیز به مقتضای خصوصیات وجودیش است.^۴

مرگ در اصطلاح دینی، عبارت است از انتقال از این جهان به جهان دیگر^۵ برخی نیز با دیدگاه مادی گرایانه، مرگ را توقف حیات و نشانه آن مانند قطع تنفس و ضربان قلب تعریف می کنند.^۶

معنای مرگ در قرآن کریم در قالب لفظ های گوناگونی همچون: موت، قتل،^۷ هلك،^۸ وفی،^۹ الاجل^{۱۰} و ... به کاررفته است. در فرهنگ قرآن، حقیقت مرگ یک امر وجودی است نه عدمی^{۱۱}. در نهج البلاغه در خطبه های ۲۱، ۱۰۹، ۱۳۲، ۱۴۹، ۱۵۷، ۱۸۸، و ۲۳۰ و نامه ۳۱ و در چندین حکمت مستقیماً از مرگ سخن گفته شده است: لکن صراحتاً تعریفی از مرگ نیامده و صرفاً با عباراتی مانند «فَإِنَّ الْمَوْتَ هَادِمٌ لِّذَاتِكُمْ وَ مُكَدِّرٌ شَهَوَاتِكُمْ وَ مُبَاعِدٌ طَيِّبَاتِكُمْ، زَائِرٌ غَيْرُ مَحْبُوبٍ وَ قَرْنٌ غَيْرُ مَغْلُوبٍ وَ وَاتِرٌ غَيْرُ مَطْلُوبٍ»^{۱۲} مرگ لذتها و خوشی های شما را از میان می برد و آرزوهای شما را تیره و تار میسازد و میان شما و هدف هایتان فاصله می

^۱ پاشنگ، فرهنگ ریشه یابی واژگان، ص ۲۵۵: معین، فرهنگ معین، ج ۳، ص ۴۰۴۳

^۲ ابن منظور، لسان العرب، ص ۹۱

^۳ طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۱۵

^۴ مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۱۹۶

^۵ موسوی لاری، مبانی اعتقادات در اسلام، ص ۵۰۳

^۶ چایدستر، شور جاودانگی، ص ۳۰

^۷ عبس، ۱۷

^۸ غافر، ۳۴

^۹ سجده، ۱۱

^{۱۰} انعام، ۲

^{۱۱} مکارم شیرازی، تفسیرنمونه، ج ۲۲، ص ۲۶۲

^{۱۲} نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰

اندازد. دیدارکننده ای است که هیچکس او را دوست ندارد و مبارزی است که هرگز شکست نمیخورد و جنایتکاری است که هرگز بازخواست نمی شود؛ همچنین مرگ را اینگونه توصیف می فرماید^۱: «الموت مفارقه دار الفناء و ارتحال الی دار البقا» و نیز میفرماید: «خُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ»^۲ دنیا جای عبور و آخرت جای قرار است و مرگ انتقال از یکی به دیگری است.

امام علی(ع) برای بیان مفهوم مرگ از واژگانی همچون: رحلت (بیش از ۴۰ مورد) رجعت^۳، ظعن^۴، موت^۵، اجل^۶، حمام^۷، حتف^۸، حین^۹، منیه^{۱۰}، انتقال^{۱۱} و منون^{۱۲} نیز استفاده کرده است و در سایر خطبه هایی که از حقیقت دنیا، روش برخورد با دنیا و وصف قیامت سخن گفته است مرگ را به «دار غربته» سرای غربت، «منقطع زورته» محلی که دیگر دیده نخواهد شد، «مفرد وحشته»^{۱۳} عامل تنهایی مطلق، توصیف کرده است؛ بنابراین امام علی(ع) صراحتاً تعریفی از مرگ ارائه نداده است بلکه با برشمردن توصیفات و ویژگیهای آن درصدد تبیین و روشن کردن شناخت ما از مرگ است و می فرماید: «إِنَّ لِّلْمَوْتِ لَغَمْرَاتٍ هِيَ أَفْطَعُ مِنْ أَنْ تُسْتَغْرَقَ بِصِفَةٍ أَوْ تَعْتَدِلَ عَلَى عُقُولِ أَهْلِ الدُّنْيَا.»^{۱۴} مشکلات مرگ چنان پیچیده و دردناک اند که به وصف در نمی آیند و با قوانین خرد مردم این دنیا، سنجیده نمی شوند. در جایی دیگر از نهج البلاغه می فرماید: «فَغَيْرُ مَوْصُوفٍ مَا نَزَلَ بِهِمْ».^{۱۵} حالاتی که در دم مرگ پدید می آیند قابل توصیف

^۱ ناظم زاده قمی، جلوه های حکمت، ص ۵۶۴

^۲ نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳

^۳ نهج البلاغه، خطبه ۷۴

^۴ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹

^۵ نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰

^۶ نهج البلاغه، خطبه ۲۸

^۷ نهج البلاغه، خطبه ۲۲۶

^۸ نهج البلاغه، حکمت ۱۶

^۹ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱

^{۱۰} نهج البلاغه، حکمت ۷۲

^{۱۱} نهج البلاغه، خطبه ۸۳

^{۱۲} نهج البلاغه، حکمت ۱۹۱

^{۱۳} نهج البلاغه، خطبه ۸۳

^{۱۴} نهج البلاغه، خطبه ۲۲۱

^{۱۵} نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹

در مرحله بعد، شناخت جاده وسیع و روشن و سپس ادامه حرکت از آن جاده لازم است. به همین دلیل امام(ع) به آنها هشدار می‌دهد که فرصت را غنیمت شمرند و لحظه‌لحظه‌ها را ارج نهند و قبل از آنکه اجل گریبان آنها را بگیرد، بر آن پیشی گیرند. سرانجام به مسئله زاد و توشه این راه اشاره می‌فرماید که همان اعمال صالح است. باید در چند روز عمر که فرصتی در دست است، آن را فراهم سازند.^۱ کسی که در هر لحظه احتمال می‌دهد پرونده حیاتش بسته شود و پنجه مرگ گلایش را بفشارد، با سرعت به‌سوی کارهای خیر می‌دود تا در فرصت باقیمانده کفه عمل صالح خود را سنگین سازد و این نیاز به صبر و استقامت فراوان دارد.^۲

• مراقبه و محاسبه کردار

امام علی(ع) تأکید فراوانی بر مراقبه و محاسبه اعمال داشته و می‌فرماید: «فَحَاسِبْ نَفْسَكَ لِنَفْسِكَ فَإِنَّ غَيْرَهَا مِنَ الْإِنْفُسِ لَهَا حَسِيبٌ غَيْرُكَ».^۳ پیش از آنکه زندگی تو پایان گیرد و به برزخ و قیامت برسی و فرشتگان الهی حسابرس تو باشند خودت در اینجا به حساب خویش رسیدگی کن تا اگر خطایی از تو سرزده است جبران کنی و اگر کار نیکی داشته‌ای خدا را شکر نمایی. هرگز لازم نیست در اعمال کوچک و بزرگ دیگران دقیق شوی و به حسابرسی آنها پردازی و از خود غافل گردی چراکه آنها برای خود حسابرسی دارند.^۴ پس ای انسان خویشتن را دریاب و همانکون حساب کار خود را بکن زیرا نفسی که در این جهان صاحبش آن را مورد محاسبه قرار ندهد، در قیامت خداوند متعال که سریع‌ترین حسابگران است به حساب آن خواهد رسید، در حقیقت این فرمایش اخیر امام جمله‌ای است تهدیدآمیز، برای کسانی که در دنیا از حساب کردن نفس خود غفلت می‌کنند.^۵

^۱ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۳۸

^۲ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۵۵

^۳ نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲

^۴ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۴۸

^۵ بحرانی، شرح نهج البلاغه، ص ۲۲۱

• تحمل مصیبت‌ها

یاد مرگ سبب می‌شود ارزش واقعی دنیا بر انسان آشکار شود. چنین فردی، در برابر سختی‌ها و مصیبت‌های زندگی استقامت بیشتری از خود نشان می‌دهد. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «أَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ، وَ يَوْمَ خُرُوجِكُمْ مِنَ الْقُبُورِ، وَ قِيَامِكُمْ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، تَهْنُ عَلَى كُمُ الْمَصَائِبُ» زیاد به یاد مرگ و بیرون شدن از قبرها و قرار گرفتن خودتان در پیشگاه خداوند باشید تا بر شما تحمل مصیبت و گرفتاری آسان شود.^۱ امام علی(ع) در حکمت ۴۱۳ نیز می‌فرماید: هنگام مصیبت باید یا چون آزاد مردان شکیبایی نمود و یا چون ابلهان فراموش کرد. برای تخفیف آلام و دردهای مصائب، انسان دو راه در پیش دارد؛ راهی را عاقلان برمی‌گزینند و راه دیگر را جاهلان. افراد عاقل در برابر مصائب شکیبایی پیشه می‌کنند، جزع و فزع به خود راه نمی‌دهند و می‌دانند زندگی دنیا به هر حال، آمیخته با درد و رنج‌هاست که بسیاری از آنها اجتناب‌ناپذیر است و همگان گرفتار آن می‌شوند، خواه یک فرد ضعیف باشد یا رئیس نیرومند یک کشور و فرمانده یک لشکر. این شکیبایی سبب می‌شود که آنها زبان به ناشکری نگشایند و از خداوند شکایت نکنند و در عمل نیز جزع و فزع ننمایند؛ بلکه خدا را شکر گویند و مصیبت را آزمون الهی یا جبران خطاها و یا مقدمه نعمتی بدانند. آنها اجر و پاداش صابران را خواهند داشت که قرآن مجید از آنها باعظمت یاد کرده، می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» اما جاهلان، این راه روشن و پرافتخار را رها کرده برای فراموش کردن مصائب، خود را به غفلت و بی‌خبری می‌زنند و به سرگرمی‌های ناسالم و لهو و لعب می‌پردازند؛ نه اجر صابران را دارند و نه افتخارات آنها را. روشن است که منظور امام(ع) این نیست که یکی از این دو راه را انتخاب کنید؛ بلکه منظور این است که اگر راه اول را نپذیرفتید به راه دوم خواهید افتاد که رهبر شما در این راه، شیطان و هوای نفس است. البته بعضی از جاهلان راه سومی انتخاب می‌کنند؛ آنقدر جزع و فزع و بی‌تابی می‌کنند و سخنان ناموزون می‌گویند تا خسته شوند و با گذشت زمان به تدریج فشار مصیبت کاسته شود؛ این راه نیز راه عاقلان و افراد باایمان نیست.^۲

^۱ حرانی، تحف العقول، ص ۱۰۴: ابن بابویه، خصال، ص ۶۱۶

^۲ مکارم شیرازی، تفسیر نور، بقره، ۱۵۷-۱۵۵

نتیجه‌گیری

مرگ قابل‌تأملترین مسئله انسانها در طول تاریخ بشر بوده که ذهن وی را در هر زمان و مکانی به خود مشغول ساخته است. نوع نگاه آدمی به مرگ تأثیر بسیار ژرف در سبک و نحوه زندگی وی بر جای می‌گذارد. یقیناً بعد از قرآن یکی از بهترین منابعی که در باب مرگ و آثار آن مورد استناد قرار می‌گیرد نهج‌البلاغه است. امام علی(ع) حیات و مرگ را در یک تاروپود میبیند و میفرماید: «نَفْسُ الْمَرْءِ خُطَاهُ إِلَى أَجَلِهِ»^۱ دم و بازدم آدمی گامی است که او به سوی مرگ برمی‌دارد. پس تفکر در باب مرگ، نفس‌های حیات دنیوی را برای انسان لذت‌بخش و قیمتی می‌سازد؛ زیرا که این همان حیاتی است که خشنودی خداوند در آن موج می‌زند.

براساس سخنان امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، یاد مرگ آثار فراوانی خواهد داشت که به‌طور کلی میتوان آن را به ابعاد فردی و اجتماعی طبقه‌بندی کرد. ازاینرو اندیشیدن به موضوع مرگ در بعد فردی آثاری نظیر: آخرت‌گرایی، معناداری زندگی و سامان یافتن زندگی، آمادگی برای سفر آخرت، پرهیز از دنیاطلبی، بی‌ارزش بودن دنیا، عبرت‌گرایی، انجام اعمال حکیمانه، مراقبه و محاسبه کردار و تحمل مصیبت‌ها را در بر خواهد داشت. در بعد اجتماعی نیز یاد مرگ کارکردهایی نظیر: تغییر نگرش، واقع‌نگری، اخلاق اجتماعی، حقوق‌گرایی و عدالت‌طلبی را دربرمی‌گیرد. در مجموع تأمل و تفکر در باب مرگ، زندگی انسان را هدفمند کرده و با ساماندهی زندگی انسان‌ها، فهم ارزش حیات را در آنها تقویت کرده و با پرهیز از دنیاطلبی و عبرت‌گرایی، آخرت‌گرایی و عافیت‌طلبی را در آنها زنده کرده و نهایتاً انسانها را آماده برای سفر آخرت می‌کند.

آنچه زندگی را از معنا تهی میکند مردن نیست، بلکه معنای مردن است. مرگ میتواند به گونه ای معنا شود که زندگی را به معنایی تهدید کند و شر باشد. و نیز می‌تواند به گونه ای معنا شود که برای زندگی مشکل معنا بوجود نیاورد. قرآن تلاش میکند تا با ارایه‌ی معنایی از مرگ، آن را به پدیده‌ای تبدیل کند که ویرانگر معنای زندگی نباشد. و نیز با بیان چگونگی و حضور خدا در هنگام مردن و بازگشت انسان به سوی خدا، مرگ از تلخی بیرون آید و نه تنها به معنای زندگی آسیب نرساند که آن را معنا ببخشد.

^۱ نهج‌البلاغه، حکمت ۷۴

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، (شیخ صدوق). **خصال**، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ش.
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی، (شیخ صدوق). **من لا یحضره الفقیه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۱۳ ش.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ه ق
- ۵- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن عبدالله، **شرح نهج البلاغه**. بیروت: دارالرشاد الحدیثه، ج ۹، ۱۳۸۷ ش.
- ۶- بحرانی، ابن میثم، **شرح نهج البلاغه**، مشهد: نشر بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- ۷- پاشنک، مصطفی، **فرهنگ ریشه یابی واژگان**، تهران: انتشارات محور، ۱۳۷۷ ش.
- ۸- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، **غررالحکم و دررالکلم**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- ۹- جدی، مهدی، « ترس از مرگ ». سایت پژوهه باقرالعلوم. (<http://pajoohe.ir>)
- ۱۰- جعفری، محمدتقی، **ترجمه و تفسیر نهج البلاغه**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
- ۱۱- چایدستر، دیوید، **شور جاودانگی**، ترجمه غلامحسین توکلی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۲- حرانی، ابن شعبه، **تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم**، چاپ علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۳- حرعاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد، **وسائل الشیعه**، قم: موسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۴- شیروانی، علی، **ترجمه نهج البلاغه**، قم: نشر معارف، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۵- طباطبائی، محمدحسین، **مجموعه مقالات**، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ ش.

- ۱۶- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ج ۱، ۱۳۷۵ش.
- ۱۷- قنبری، بخشعلی و مشایخی پور، محمدعلی، «معنا و مفهوم مرگ آگاهی و آثار آن از دیدگاه امام علی (ع)، معرفت، شماره ۱۸۳، ۱۳۹۱ش.
- ۱۸- کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ش.
- ۱۹- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: موسسه نشر وقا، ۱۴۱۶ق.
- ۲۰- مدرسی، محمدتقی، تفسیر هدایت، ترجمه عبدالمحمد آیتی و احمد آرام، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس، ۱۳۷۷ش.
- ۲۱- مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن، قم: موسسه در راه حق، ج ۱، ۱۳۶۷ش.
- ۲۲- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج ۱۱، ۱۳۶۰ش.
- ۲۳- مظفری ورسی، محمدحیدر، مرگ اندیشی در آموزه های اسلامی، تهران: انتشارات کتاب نشر، ۱۳۹۲ش.
- ۲۴- معادینخواه، عبدالحمید، فرهنگ آفتاب، تهران: ذره، ۱۳۷۲ش.
- ۲۵- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۳، ۱۳۷۱ش.
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر، پیام امیرالمومنین (ع) - شرحی تازه و جامعی بر نهج البلاغه، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب، ۱۳۹۰ش.
- ۲۷- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
- ۲۸- موسوی لاری، سیدمجتبی، مبانی اعتقادات در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ش.
- ۲۹- ناظم زاده قمی، سیداصغر، جلوه های حکمت، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش.